

ترجمه کودکانه‌ها به فارسی: چالش لحن

عباس امام (استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید چمران اهواز)

abassemaam@yahoo.com

چکیده

ترجمه آثار ویژه کودکان کاری سهل و ممتنع است؛ کاری بسیار دشوار است که ترجمه آن در آغاز آسان جلوه می‌کند. تصور غالب افرادی که بر آن می‌شوند تا برای کودکان آثاری را ترجمه کنند، این است که می‌پندارند موضوعات کودکانه ساده هستند و متن‌های مرتبط، به لحاظ واژگان، ساختارهای دستوری و سایر ویژگی‌های زبانی نیاز به دقت نظر زیاد و خلاقیت در ترجمه ندارند؛ اما حقیقت این است که دست‌کم ترجمه ادبیات داستانی و نیز شعرهای کودکانه نشان می‌دهند که قضیه به این سادگی‌ها نیست. حفظ حال و هوای کودکانه در این گونه آثار که بخش عمده آن به دقت در گزینش «لحن» مناسب بازمی‌گردد، از جمله عواملی هستند که در پاره‌ای از موارد آن‌طور که باید و شاید مدنظر قرار نمی‌گیرند. در این مقاله سعی شده است تا با ارائه نمونه‌هایی از ترجمه‌های فارسی منشور و منظوم چاپ‌شده، نارسایی‌ها و کاستی‌های لحن‌محور آن‌ها ریشه‌یابی و بیان شوند و به این ترتیب بر ضرورت دقت بیشتر مترجمان در ترجمه کودکانه‌ها تأکید گردد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، مترجم، کودکانه، نثر و نظم فارسی، لحن، بازسازی.

۱. مقدمه

در گستره تاریخ و فرهنگ ایران، توجه به کودکان و ادبیات کودکان در جلوه‌های گوناگون آن (لالایی‌ها، متل‌ها، افسانه‌ها، ترانه‌ها، چیستان‌ها و ...) از پیشینه‌ای دیرینه برخوردار است. برخی از مورخان تاریخ ادبیات کودکان در ایران، سابقه این مطلب را تا نزدیک به سه هزار سال پیش دانسته‌اند (محمدی و قائینی، ۱۳۸۱). از همین دوره زمانی، درخت آسوریک کهن - ترین متن ادبی کودکان ایران است که به یادگار مانده است. در ایران دوره اسلامی نیز مؤلفان و مصنفان بسیاری به رشد و گسترش ادبیات کودکان کمک کرده‌اند که از جمله این افراد باید از

عبید زاکانی، شاعر و نویسنده بلندپایه سده هشتم هجری نام برد. وی از نخستین کسانی بود که در ایران پس از اسلام اثری مستقل به نام موش و گربه برای کودکان خلق کرد. همچنین، نام ابونصر فراهی (از سده هفتم هجری) نیز شایسته یادآوری است که کتاب *نصاب الصبیان* او - که برای آموزش زبان عربی به کودکان فارسی زبان تدوین شده بود - به عنوان اولین فرهنگنامه کودکان و نوجوانان بیش از هفت سده بر زانوی اطفال مسلمان ایران، افغانستان، ماوراءالنهر، ترکیه و هندوستان قرار داشت (محمدی و قائینی، ۱۳۸۰، صص. ۱۹۹-۱۹۸)؛ البته برای آشنایی با نام و کار دهها تن از کوشندگان ایرانی این رشته مانند صمد بهرنگی، محمود کیانوش، رضی هیرمندی، مصطفی رحماندوست، محمدرضا سرشار، فریدون عموزاده خلیلی، سوسن طاقدیس، شکوه قاسم‌نیا، حسین ابراهیمی (الوند) و ... می‌توان به منابع تاریخ ادبیات کودکان ایران مراجعه کرد.

۲. پیشینه تحقیق

یکی از پژوهشگران برجسته در حوزه ترجمه ادبیات کودکان لزی^۱ (۲۰۱۱) است که نقش دوگانه «کودک - بزرگسال» را در ترجمه این گونه آثار محوری می‌داند. دو تن از دیگر کارشناسان در این زمینه نیز کوشیده‌اند تا با انجام پژوهش‌هایی، پیچیدگی‌های «ارتباط کلامی - روایی» مرتبط با ترجمه آثار کودک محور را مدنظر قرار دهند. اوسالیوان^۲ (۲۰۰۵) با استفاده از مفهوم «ارتباط کلامی - روایی» توانست مدلی ارائه دهد که در آن، بین کودک مخاطب بالقوه در متن مبدأ و کودک مخاطب بالقوه در متن مقصد، تمایزی معنادار ایجاد کند. اوتینن^۳ (۲۰۰۰) نیز که طرفدار آزادی عمل و آفرینندگی است، مترجم آثار کودکانه است و بر این نکته تأکید دارد که زبان ترجمه کودکانه‌ها باید ترجمه‌ای کودک‌فهم^۴ باشد. وی انجام دستکاری در این راستا را مثبت ارزیابی می‌کند. بل^۵ (۱۹۸۵، ۱۹۸۶) نیز در مورد ترجمه اسم‌ها، زمان دستوری و اسم‌های

1. Lathey
2. O'Sullivan
3. Oittinen
4. child-friendly
5. Bell

جنسیت‌نما تحقیقاتی انجام داده است. هیرانو^۱ (۱۹۹۹) به چالش‌های ظرافت‌های موجود در ترجمه ضمیرهای شخصی ادبیات داستانی کودکانه ژاپنی پرداخته است. از دیگر پژوهشگران این زمینه می‌توان از ون کویلی و ورشورن^۲ (۲۰۰۶) و فرانک^۳ (۲۰۰۷) نیز نام برد که در چارچوب نظریه‌ها و رویکردهای متفاوت، یافته‌های خود را ارائه کرده‌اند.

اما ریشه ترجمه آثار ادبی کودکان به فارسی را بایستی در دوران ارتباط تدریجی ایرانیان با غربی‌ها و به‌ویژه از دوران مشروطیت به این سو جست‌وجو کرد. واقعیت این است که در پی تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و با گسترش شهرنشینی و سوادآموزی، فرایند ترجمه آثار داستانی و غیرداستانی از زبان‌های اروپایی (فرانسه، آلمانی و انگلیسی) به فارسی، برای کودکان و نوجوانان ایرانی نیز از شتاب زیادی برخوردار شد؛ به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و ارتباط تنگاتنگ‌تر ایران با کشورهای انگلیسی‌زبان، ترجمه آثار کودکان تحت تأثیر قرار گرفت (موسوی، هادی‌پور، و سمندری، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۴). این روند پرشتاب همچنان ادامه دارد و سالانه صدها اثر درباره کودکان و نوجوانان به زبان فارسی برگردانده می‌شوند. امروزه، ورود و گسترش چشمگیر رسانه‌های دیداری- شنیداری دیجیتال کودک محور نیز مزید بر علت شده است و چتر تأثیر این نوع ادبیات بر خانه‌های گوشه‌گوشه سرزمین ما گسترده شده است. فروش میلیون‌ها نسخه ترجمه مکتوب آثار جی.کی. رولینگ (مجموعه هری پاتر) و نیز آثار صوتی، تصویری، تلویزیونی و ماهواره‌ای دیگر مؤید این ادعا است. درحقیقت، بسیاری از مترجمان آثار کودکان، به دلیل حجم اندک این نوع آثار یا به دلیل محدودیت واژگانی آن‌ها، با تصویری نادرست ترجمه آثار کودکانه را ساده می‌پندارند و به سراغ ترجمه آن‌ها به زبان فارسی می‌روند؛ به‌عنوان مثال، براساس یکی از گزارش‌های آماری کتاب‌های منتشرشده در ایران که هر ساله از سوی خانه کتاب ایران اعلام می‌شود، در سال ۱۳۸۸، از میان ۲۵۰۰ عنوان کتاب کودک و نوجوان، ۸۰۰ عنوان از کتاب‌های چاپ اول، کتاب‌های ترجمه‌ای حوزه کودکان و نوجوانان

1. Hirano

2. VanCoillie and Verschuere

3. Frank

هستند که اغلب مورد استقبال مخاطبان قرار گرفته‌اند و به چاپ مجدد رسیده‌اند (خطر ترجمه در کمین ادبیات کودک و نوجوان، بی‌تا).

پژوهشگر دیگری نیز در بررسی روند ترجمه در نشریات کودکان و نوجوانان ایران، در طول برنامه پنج ساله دوم توسعه (۱۳۷۷-۱۳۷۳) به این نتیجه رسیده است که بیشترین حجم اختصاص یافته در این نشریات، به موضوع «داستانی» تعلق دارد که شامل ۶۹/۴٪ از کل مطالب ترجمه شده در نشریات می‌شود (زمانی، ۱۳۸۱، ص. ۵۹). در عین حال، به ادعای محمدرضا سرشار که یکی از فعالان و پژوهشگران پرکار در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان ایران است، «در سال‌های اخیر [دهه ۸۰ شمسی] متوسط کتاب‌های ترجمه به فارسی، ۴۴ درصد و کتاب‌های تألیفی فارسی به ۵۶ درصد رسیده است و با این روند، چه بسا به زودی ترجمه بر تألیف غلبه کند» (معیارهای یک ترجمه خوب برای کودکان، بی‌تا). در هر صورت، بدون تردید، ارقام و آمار ذکر شده از یک سو، نشانگر اقبال عمومی کودکان و نوجوانان ایرانی به ادبیات ترجمه‌ای و گستردگی این پدیده است و از سوی دیگر، حکایت از برخی از نشانه‌های آسیب‌شناختی زبانی- فرهنگی دارد.

۳. طرح مسئله و اهمیت موضوع

حال، نکته اینجا است که با وجود شرایطی که به‌طور مشروح گفته شد، در نشریات عمومی، نیمه تخصصی و تخصصی کشور توجه شایسته‌ای به ترجمه ادبیات کودکان و نقد و بررسی آن نمی‌شود. نگاهی به محتویات دو نشریه تخصصی مسائل ترجمه در کشور در بیست سال پس از انقلاب (فصلنامه مترجم و فصلنامه مطالعات ترجمه) نشان می‌دهد که در هریک از این دو نشریه، سهم مقالات مرتبط با ترجمه ادبیات کودک بسیار اندک (در حدود کمتر از ۱۰٪ از سایر زمینه‌های ترجمه) است. مجلات تخصصی دانشگاهی نیز وضعیت تقریباً مشابهی دارند. آنچه ناخوشایندی شرایط کمبود تحقیق و پژوهش در زمینه ترجمه ادبیات کودکان را دوچندان می‌کند، این است که بدانیم حتی در سرفصل‌های رشته‌های مترجمی زبان (انگلیسی، فرانسه، آلمانی، عربی و ...) نیز واحد یا واحدهایی به این حوزه کاری پویا

وپرمخاطب بازار ترجمه اختصاص داده نشده است. به هر حال، هدف از نگارش این مقاله کندوکاو در یکی از زمینه‌های اثرگذار در ترجمه ادبیات کودکان؛ یعنی، موضوع «لحن» و چالش‌های آن برای مترجمان، در زمینه نظم و نثر است. در اهمیت موضوع لحن در ادبیات کودک همین بس که بدانیم هفتصد سال پیش از این، شاعر نامدار ایران، مولوی، در مورد آن گفته است: چون که با کودک سروکارت فتاد/ هم زبان کودکی باید گشاد. و به راستی که چنین است؛ زیرا، در فرایند ارتباط با کودک، رعایت لحن کودکانه نقش بسیار مهمی دارد و طبیعی است که رعایت نکردن لحن در ترجمه نیز باعث گسست ارتباطی می‌شود؛ با وجود اهمیت رعایت لحن در ترجمه، تاکنون اثر مستقلی در این زمینه نوشته نشده است؛ هر چند نکات و مسائل پراکنده مرتبط با این موضوع، در حوزه ادبیات کودک در فارسی، به طور عام و در زمینه ترجمه ادبیات کودکانه، به طور خاص، یافت می‌شود.

۴. چارچوب نظری تحقیق

ارائه تعاریفی جامع و مانع برای هر اصطلاح و مفهومی، بسیار دشوار است؛ اما به هر روی به رسم رایج، ابتدا به تبیین چارچوب مفهومی و نظری بحث می‌پردازیم. از همین آغاز، منظور خود از دو واژه آشنا و پیچیده «کودک» و «لحن» مشخص می‌کنیم. برای شفافیت بیشتر تعریف واژه «کودک» ترجیح می‌دهیم از میان تعاریف گوناگون این واژه، به یکی از تعاریف کاربردی و عینی این اصطلاح که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ارائه کرده است، استناد کنیم. طبق تعریف این نهاد تخصصی در کشور، «کودک» فردی است که به یکی از سه گروه سنی زیر تعلق داشته باشد:

گروه الف: افراد پیش دبستانی؛

گروه ب: افراد سال‌های آغازین دبستان (کلاس‌های اول، دوم و سوم)؛

گروه ج: افراد سال‌های پایانی دبستان (کلاس‌های چهارم و پنجم).

بنابراین، طبق این تعریف فراگیر، از نظر سنی، کودک نهایتاً بین ۱۱-۹ ساله خواهد بود؛ اگرچه اواخر این رده سنی با رده سنی نوجوانان نیز همپوشانی دارد. منابع تخصصی مربوط،

«لحن»^۱ را، در گفتار و در نوشتار، نوعی ویژگی کلامی گوینده/ نویسنده می‌دانند که برحسب گزینش واژگان، ترکیبات و دیگر ساختارهای دستوری یا خطابی باعث می‌شوند تا کلام پدیدآورنده اثر، رسمی یا غیررسمی، ادیبانه یا علمی، طنزآمیز یا جدی، صریح یا غیرمستقیم، خودخواهانه یا متواضعانه، توهین‌آمیز یا محترمانه، ساده یا پرتکلف جلوه‌گر شود یا تلقی گردد (آبرامز^۲، ۱۹۷۰؛ کادن^۳، ۱۹۷۹). بدیهی است که لحن «کودکانه» یا «غیرکودکانه/ بزرگسالانه» در زمره همین تقسیم‌بندی‌ها جای می‌گیرد. و اما، ویژگی‌های زبانی لحن یا زبان کودکانه کدام-اند؟ در پاسخ می‌توان گفت که به‌طور معمول، از نظر آوایی، معنایی و نحوی، زبان و لحن کودکانه دارای این ویژگی‌ها است: ۱. سادگی مضامین؛ ۲. سادگی واژه‌ها؛ ۳. سادگی ترکیبات و ساختارهای دستوری؛ ۴. گفتارگونگی؛ ۵. گرایش به الگوهای کلامی تکراری؛ ۶. توجه به بازی‌های کلامی؛ ۷. غلبه شکل بر محتوا در ارتباطات زبانی.

این تقسیم‌بندی هفت‌گانه به این معنا نیست که ویژگی‌های زبان کودکانه تنها منحصر به موارد ذکر شده است؛ بلکه همان‌طور که اشاره شد، این موارد ویژگی‌های عمده زبان کودکانه محسوب می‌شوند. همچنین، منظور از این تقسیم‌بندی این نیست که گفته شود هر مورد گفته/ نوشته کودکانه، در آن واحد دارای هفت ویژگی ذکر شده است؛ زیرا، در پاره‌ای از موارد چه بسا یک یا چند ویژگی وجود داشته باشد یا یک یا چند ویژگی برجسته‌تر از سایر موارد جلوه کند. بدیهی است وقتی زبان کودکانه دارای این‌گونه ویژگی‌های عام باشد، انتظار می‌رود که در ترجمه مطالب از زبان و فرهنگی دیگر نیز مترجم با رعایت همین نکات در زبان و فرهنگ خودی به‌گونه‌ای عمل کند و عبارت‌پردازی‌های خود را به‌نوعی انجام دهد که کمتر نشانی از ترجمه‌زدگی در آن پدیدار شود؛ البته، باید اذعان کرد که این حکم توصیه‌ای آرمانی است؛ اما باید پذیرفت که به هر میزان از آرمان‌ها دور می‌شویم، به همان میزان احتمال به‌خطارفتن نیز افزایش می‌یابد؛ به‌ویژه در ارتباط با ادبیات داستانی کودکان و ترجمه گفت‌وگوها، این نکته از اهمیت دوچندانی برخوردار است؛ زیرا، اگر کودک خردسال، لحن شخصیت‌های کودک یا

-
1. Tone
 2. Abrams
 3. Cuddon

حتی روایت راوی، گزینش واژگان، ترکیبات و غیره را کودکانه نداند یا با آن‌ها احساس بیگانگی کند، در آن صورت قطعاً هدف نویسنده/ مترجم از شکل‌گیری ارتباطی اثرگذار برآورده نخواهد شد و تلاش‌ها از بین خواهد رفت. بی‌تردید، نادیده‌گرفتن همین لحن کودکانه در سروده‌های فارسی و نیز در ترجمه اشعار به فارسی است که باعث شده تا یکی از صاحب‌نظران ایرانی ادبیات کودک، از «ویروس بزرگسالی در شعر کودک» ناله سردهد (قاسم‌نیا، ۱۳۷۴، ص. ۳۵). همین کارشناس با بر شمردن دلایل احتمالی بی‌توجهی به لحن و شیوه کودکانه در سرودن اشعار فارسی می‌گوید:

چه عجله‌ای است که کودکانمان را زود بزرگ کنیم؟ مگر ما خود از کودکی بدی دیده‌ایم؟ مگر نه اینکه می‌گوییم کودکی شیرین‌ترین مرحله زندگی است؟ مگر نه اینکه معتقدیم جامعه‌ای سالم است که کودکانش به‌طور کامل و سالم کودکی کرده‌اند؟ پس، چرا دست کودکانمان را می‌کشیم و به زور آن‌ها را به دنیای بزرگسالی پرتاب می‌کنیم؟ آیا این خطا و خودخواهی ما نیست؟ و آیا پافشاری بر این حرف که کودکانمان همه چیز را می‌فهمند، پس می‌توانیم همه چیز را برایشان بگوییم، نوعی رد و انکار و تکفیر کودکی نیست؟ من فکر می‌کنم وظیفه اصلی همه ما به‌عنوان قلم‌زنان کودک باید این باشد که بچه‌ها را به هر قیمتی که هست در دنیای کودکی نگه داریم. اگر آن‌ها معنی هزار کلمه و ترکیب را هم می‌دانند، خوب بدانند، خوشا به سعادتشان، چه از این بهتر! اما، ما را با دانستنی‌های آن‌ها چه کار؟ ما با نیازها و احساس‌های آن‌ها سر و کار داریم (قاسم‌نیا، ۱۳۷۴، صص. ۳۶-۳۵).

۵. روش تحقیق

با توجه به توضیحات پیشین، نمونه‌هایی از ترجمه‌های فارسی، اعم از نثر و نظم را انتخاب می‌کنیم تا آن‌ها را از نظر کاستی‌های به‌کارگیری «لحن کودکانه» بررسی کنیم؛ البته، براساس همان توضیحات، نمونه‌های موردنظر در چارچوب سه رده سنی کودک مورد استفاده قانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (گروه‌های الف، ب و ج) خواهند بود. هدف ما این است تا دریابیم آیا آن ترجمه‌های فارسی کودک‌محور، با معیارهای هفت‌گانه یادشده در مورد ویژگی‌های لحن کودکانه انطباق دارند یا خیر؟ و اگر نمونه‌ها دارای کاستی‌هایی باشند، آن‌ها را مشخص می‌کنیم و پیشنهاد خود را ارائه می‌دهیم؛ بنابراین، روش ما در انجام این کار،

رویکردی است که براساس مطالعات زبان‌شناختی مسائل ترجمه، توصیفی و نیز تجویزی است. در این راستا، ابتدا هر نمونه ترجمه کودکانه موردنظر را با ذکر جزئیات دقیق کتاب-شناختی آن ارائه می‌دهیم، اشکالات آن را از دید نگارنده این نوشتار برمی‌شماریم و در پایان، ترجمه بازسازی‌شده و پیشنهادی خود را ارائه می‌دهیم. هدف نهایی ما آن است تا با انجام این کار، سایر علاقه‌مندان به این زمینه گسترده و حساس ترجمه را از فرافتادن در دامچاله‌های ترجمه‌ای فراروی مترجمان آثار کودک برحذر داریم تا شاید با هشیاری بیشتر آثار خود را با دقت همه‌جانبه‌تری در اختیار کودکان فارسی‌زبان قرار دهند.

۶. بحث و بررسی

در این بخش، به بحث و کندوکاو در اولین نمونه از این نوع ترجمه‌های کودکانه می‌پردازیم. این نمونه برگرفته از ترجمه فارسی کتاب *افسانه گل‌های آبی*، نوشته تامی دی پائولا و ترجمه فیروزه گل‌محمدی (۱۳۷۴، ص. ۸) است. در این داستان، صحنه وقوع داستان سرزمین و اقوام سرخ‌پوست می‌باشد. در یکی از صحنه‌های داستان، دختر بچه‌ای سرخ‌پوست درحالی-که با عروسک خود تنها است، با او درد دل می‌کند و به او می‌گوید:

چندان نخواهد گذشت که

شامان» به بالای تپه خواهد رفت

تا سخنان روح بزرگ را بشنود.

آن‌گاه ما خواهیم دانست چه باید کرد تا بار دیگر باران ببارد

و زمین سبز و زنده گردد

و گاوهای وحشی فراوان شوند

و مردم بار دیگر غنی گردند.

آیا به‌راستی این‌گونه سخن گفتن یک دختر بچه، آن هم با عروسک خود، لحنی طبیعی دارد؟ به‌ویژه، تعبیری مانند: «چندان نخواهد گذشت»، «آن‌گاه ما خواهیم دانست»، و «زمین سبز و زنده گردد و گاوهای وحشی فراوان شوند و مردم بار دیگر غنی گردند»، قرابتی با لحن

طبیعی سخن گفتن یک دختر بچه ایلپاتی، آن هم با یک عروسک ندارد. در واقع، اکثر این تعبیر مورد استفاده مترجم، برگرفته از نظام واژگانی و ترکیبات دستوری مورد استفاده در زبان بزرگسالان است: قیدهای زمان «چندان»، «آن‌گاه»، «بار دیگر» و فعل‌های مرکب رسمی «نخواهد گذشت»، «خواهیم دانست»، «سبز و زنده گردد»، «فراوان شوند» و «غنی گردند». افزون‌براین، «شامان» اسم خاص نیست؛ بلکه در یکی از مذهب‌های اقوام بدوی به نام «شَمَن باوری»^۱، شَمَن به معنای «روحانی قبیله» است. در هر صورت، آیا بهتر نبود در این صحنه، لحن طبیعی کودک به صورت زیر باشد؟

«دختر تنها» به عروسکش گفت:

همین روزها

روحانی قبیله / شَمَن می‌ره روی تپه

تا به حرف‌های روح بزرگ گوش بده.

اون وقت، مردم می‌فهمن چیکارکنن تا بازم بارون بیاد.

تا زمین‌ها سبز و چوندار بشه

گاوهای وحشی زیاد بشن

و مردم دوباره زندگی شون سر و سامون بگیره.

نمونه دوم از کتابی با عنوان *از جایم تکان نمی‌خورم*، نوشته جودیت ویورست و ترجمه فارسی زینب رضایی (۱۳۸۸، ص. ۱۹) است. در این داستان که در زمینه شیطنت‌های دوران کودکی و خردسالی است، با صحنه‌ای روبه‌رو می‌شویم که شخصیت کودک داستان می‌گوید:

من با خیلی‌ها خداحافظی کردم و آن‌قدر بوسه و بغل دریافت کردم

که برای همه عمرم بس است! من با خیلی‌ها خداحافظی کردم؛

اما همین‌جا می‌مانم و از جایم تکان نمی‌خورم!

آیا کسی می‌تواند ادعا کند که تاکنون در زبان فارسی خردسالان یا حتی بزرگسالان، با عبارت یا فعل مرکب «بوسه و بغل دریافت کردن» در متون نوشتاری یا گفتار اشخاص مواجه

شده و آن را شنیده یا در متون دیده است؟ قطعاً، پاسخ منفی است. متن اصلی انگلیسی این صحنه در دسترس نیست؛ ولی کاملاً پیدا است که این تعبیر، تعبیری «ترجمه‌زده»^۱ است و می‌دانیم که ترجمه‌زدگی از معایب ناپسند برخی از مترجمان بی‌تجربه است. به‌علاوه، فعل «در جایی موندن و از جای خود تَکُون/جُم نخوردن» نیز فعلی برگرفته از زبان گفتار عامیانه و نیز کودکانه است، و ضرورتی ندارد که از ترس «سنت‌گرایان زبانی» و «تجویزگرایان» به‌صورت کتابی و رسمی نگاشته شود؛ زیرا، نتیجه این کار آمیختگی سبکی ایجاد می‌کند و باعث اختلال در درک راحت‌تر و طبیعی‌تر مطلب می‌شود. آخر مگر نه این است که در ادبیات کودکان، کودک بایستی در مواجهه با شخصیت‌های کودک و رفتار و کلام آن‌ها به‌راحتی احساس هم‌ذات‌پنداری کند؟ در هر صورت، باید پذیرفت که لحن این کودک در این ترجمه با لحن متعارف کودکانه در فارسی شباهت ندارد. ترجمه پیشنهادی ما به‌صورت زیر است:

من با خیلِیا (خیلی‌ها) خداحافظی کردم

و اون قدر هم چپ و راست منو بوسیدن

که داشتم خفه می‌شدم!

من با خیلِیا (خیلی‌ها) خداحافظی کردم؛

اما همین جا وای می‌سَم (می‌مونم) و از جام تکون (جُم) نمی‌خورم.

نمونه بعدی برگرفته از کتاب جوجه‌آردک زشت نوشته کاترین راس و ترجمه کاظم

فرهادی (۱۳۷۳، ص. ۵) است. در این مورد، در صحنه‌ای از داستان چنین می‌خوانیم:

جوجه آردک از مرغابی‌ها پرسید:

چرا من زشت هستم؟

مرغابی‌ها گفتند: کی می‌داند؟

نکته‌ای که در مورد این ترجمه قابل توجه می‌باشد، مسئله‌ای است که به پرسش پایانی ترجمه ارتباط دارد. درحقیقت، باید دانست که این نوع پرسش در زبان انگلیسی، پرسش به مفهوم رایج کلمه نیست؛ بلکه تعبیری حاکی از تعجب یا عصبانیت گوینده است. در این گونه

موارد، در واقع، «مفهوم ضمنی»^۱ عبارت نوعی جمله تعجبی است؛ به عنوان مثال، وقتی در اتاق گرم، کسی احساس خفگی می‌کند ممکن است از تعجب یا عصبانیت بگوید: Why don't you open the window? (چرا پنجره را باز نمی‌کنید؟) که طبیعتاً منظور مستقیم گوینده از این جمله پرسشی این است: (ای وای!/ تو رو خدا! لطفأ!/ بی‌زحمت!) پنجره را باز کنید! به- هر صورت، در یکی از مباحث رشته زبان‌شناسی، به نام منظورشناسی^۲، به این نوع القای منظور گوینده "illocutionary force" می‌گویند که به معنای «منظور غیرمستقیم» یا «منظور ضمنی» است؛ پس، این نوع جمله پرسشی را بایستی در اصل یک جمله خبری یا تعجبی در نظر گرفت. در غیر این صورت، ترجمه تحت‌اللفظی آن منجر به نوعی پرسش خواهد شد که گویی گوینده منتظر دریافت پاسخ از کسی یا کسانی است. حال، با این توضیحات باید پرسید آیا در جمله پرسشی نمونه یادشده، مرغابی‌ها منتظر این هستند که یکی از میان خود پاسخ دهد که علت زشت بودن (فرضی) جوجه‌آردک زشت چه چیزی است؟ یقیناً، چنین نیست؛ بلکه در واقع، مرغابی‌های دیگر با لحنی از روی تعجب، عصبانیت یا بی‌اعتنایی، در پاسخ به پرسش جوجه‌آردک زشت که با نومییدی از آن‌ها پرسیده است چرا من زشت هستم، گفته‌اند: ما چه می‌دونیم!

شاید وجود این گونه کاستی‌ها و کم‌توجهی‌ها در ترجمه‌های مترجمان ناکارآزموده آنچنان برخوردار نباشد و امری نسبتاً عادی جلوه کند؛ اما زمانی که همین‌گونه اشتباهات از قلم مترجمی نام‌آور سر می‌زند، قضیه ناخوشایند می‌نماید. مترجم ادبی پرکار و موفق، کوثری (۱۳۷۹)، در مقاله‌ای با عنوان «تجربه‌ای در ترجمه شعر در داستان‌های کودکان» به تجربه شخصی اشاره می‌کند که مترجم ایرانی کتاب معروف ادبیات کودکان جهان؛ یعنی، قصه‌های برادران گریم از او در ترجمه اشعار آن اثر کلاسیک کمک می‌خواهد و وی نیز با توجه به علاقه خود، این کار را برای مترجم انجام می‌دهد و هفتاد پاره شعر را در لابلای قصه‌های آن مجموعه داستان به فارسی برمی‌گرداند. وی می‌گوید: «کوشیده‌ام افزوده‌ها در همان حال و هوای

1. Implied meaning
2. Pragmatics

متن اصلی باشد و جای کاسته‌ها را نیز با کلمات یا جملاتی درخور متن پر کرده‌ام» (کوثری، ۱۳۷۹، ص. ۴۹). او در ادامه حدود بیست نمونه از آن اشعار ترجمه‌شده خود را به خوانندگان ارائه می‌کند تا شاید آن‌ها از این تجربه‌ها بهره گیرند. هنگامی که این ترجمه اشعار کودکان را از لحاظ رعایت لحن کودکانه بررسی می‌کنیم، می‌بینیم در پاره‌ای از موارد، کوثری به خوبی عمل کرده است؛ اما در پاره‌ای از موارد نیز از جاده تناسب لحن کودکانه خارج شده است که در ادامه به سه مورد از آن‌ها اشاره خواهیم کرد تا شاید تعامل در تجارب بتواند کمکی به هدف بحث بکند. به نمونه اول دقت کنید:

My mother she killed,	مرا مادر به داس مرگ بسپرد
My father he ate me,	پدر آسوده بنشست و مرا خورد
My sister, little Marlinehen,	چو خواهر یافت مشت استخوانم
Gathered together all my bones,	به سربند حریرش شد مکانم
Tied them in a silken handkerchief,	به زیر آن درختم داد ماوا
Laid them beneath the juniper tree,	منم زیبا پرنده زار و تنها

Kywitt, kywitt, what a beautiful bird am I!

می‌دانیم که قصه‌های برادران گریم در اصل به زبان آلمانی است و کوثری این اشعار را از زبان انگلیسی به فارسی برگردانده است؛ اما به یکی، دو نکته‌ای که در مورد رعایت نکردن لحن کودکانه در ترجمه فارسی اشاره خواهیم کرد، چندان به آن دو زبان غیرفارسی اختصاص ندارد؛ زیرا، می‌دانیم که در ترجمه کودکانه‌ها و از جمله شعر کودکانه، یکی از نکات بسیار مهم، «مخاطب‌محوری» است. مخاطب ترجمه‌های کودکانه، کودکان هستند و قاعدتاً کودک و خردسال در قید و بند چگونگی انتقال و تفهیم موضوع «لحن» به خود می‌باشند؛ نه اصل «گزاره‌های» موضوع. حال، اگر از این دیدگاه به ترجمه پاره‌شعر بالا نگاه کنیم، خواهیم دید که مترجم از جنبه رعایت موزون بودن ترجمه کودکانه - که بخشی از الزامات ترجمه شعر کودکانه است - به خوبی عمل کرده است؛ اما جنبه‌های دیگر رعایت لحن کودکانه چنین به نظر نمی‌رسند. در واقع، اگر یک بار دیگر ترجمه فارسی شعر را مرور کنیم، متوجه خواهیم شد که لحن

ترجمه و زبان آن، زبانی فاخر و حتی حماسی است که با زبان کودک تناسب ندارد و اگر به متن اصل انگلیسی شعر نیز بنگریم، خواهیم دید که در این شعر، واژه‌ها، ترکیبات و تصاویر بسیار ساده و گفتارگونه هستند؛ در صورتی که مترجم فارسی با به‌کارگیری تعابیر رسمی و ترکیبات استعاری بزرگسالانه و پیچیده (مانند «داس مرگ» و «سربند حریر») یا فعل رسمی «مأودادن»، لحن شعر را از سادگی کودکانهٔ آن دور کرده است. همچنین، معلوم نیست که تصویر خوشایند و دلنشین مصراع آخر متن انگلیسی، چگونه و به چه دلیل در فارسی به تصویری غم‌انگیز و دردآور تبدیل شده است. حال، پیشنهاد ما این است:

مامان منو هلاک کرد

بابام منو غذاش کرد

خواهر ریزه‌پیزم

استخوانامو جمع کرد

گذاشت توی یه بقچه

زیر درختی چال کرد.

جیک جیک جیک،

جیک جیک جیک،

بین چقده نازم!

حال، به نمونهٔ ترجمهٔ دیگری از کوثری (۱۳۷۹، ص. ۴۹) نگاه کنیم:

Blow, blow, thou gentle wind, I say	بیا باد و بیا باد و بیا باد
Blow Conrad's little hat away	بدزد از سر، کلاه سرخ کُنراد
And make him chase it here and there,	دوانش کن به دشت، این سو و آن سو
Until I have braided all my hair,	که تا من رشته‌ها بافم ز گیسو.

در این مورد نیز مترجم از نظر درک مطلب ظاهراً مشکلی ندارد؛ اما متأسفانه باز هم نتوانسته است خود را از کمند لحن و زبان بزرگسالانه رها کند. به همین دلیل است که دوباره با به‌کارگیری واژه‌های رسمی و ساختارهای دستوری متفاوت با لحن گفتارگونهٔ کودکان، امکان

ایجاد ارتباط کودکان و نونهالان با شعر را کم می‌کند. فکر می‌کنم اینجا است که بایستی توصیه مولانا را به مترجم یادآور شویم که:

چون که با کودک سروکارت فتاد هم، زبان کودکی بایدگشاد

ترجمه پیشنهادی نگارنده به صورت زیر است:

باد بیا و باد بیا

تو رو خدا آروم بیا

ببر کلاه گُتراد

توصحرا ویلونس کن

تا که ببافم گیسام

گیر بز نم به موهام.

آخرین نمونه از شعر کودکانه ترجمه کوثری (۱۳۷۹، ص. ۴۹) به صورت زیر است:

The mother sits alone

به زندان، پشت آن درهای بسته

There in the prison small,

پریشان مادری تنها نشسته

O king of royal blood,

بدان ای پادشاه پادشه‌زاد

These are thy children all.

که فرزند تواند این هر سه نوزاد

The sisters twain so false,

دو خواهر هر سه را از خانه بردند

They wrought the children woe,

به آب تیره رودی سپردند.

There in the waters deep

Where the fishermen come and go.

گمان می‌کنم اکنون روشن شده باشد که در این پاره شعر نیز مترجم با همان لحن و کلام غیرکودکانه و با بیانی عمدتاً ادیبانه، روایت منظوم انگلیسی را در فارسی بازآفرینی کرده است؛ کلامی که از نظر ما مشکل عمده آن موفق نبودن در برقراری ارتباط ساده و راحت با مخاطبان کودک است. آیا به راستی در این مورد نمی‌شد پریشانی مادر، بدجنسی دوخواهر دوقلوی سارق اطفال و به‌آب‌انداختن کودکان فرزند شاه را با واژه و ترکیبات دستوری ساده‌تر و عامیانه‌تری به نظم کشید تا از رهگذر لحن آشناتر، طبیعی‌تر و خودمانی‌تر کودکانه، خوانندگان

کودک راحت‌تر پیگیر ماجرای این روایت منظوم شوند؟ شاید مترجم چنین فکر کرده است که استفاده از لحن کودکانه، عامیانه و شکسته‌نویسی عبارات، مایه کسر شأن او می‌شود. نمی‌دانم؛ اما، من حاصل تلاش خود در به‌کارگیری لحن کودکانه را با پیشنهاد ترجمه زیر به خوانندگان ارائه می‌دهم؛ هرچند اطمینان دارم افراد علاقه‌مند و باذوق، و درعین‌حال آشناتر با لحن و زبان کودکانه، می‌توانند گزینه‌های دلپسندتری را ارائه دهند:

مامان، نشسته تنها

یه گوشه توی زندان

ای شاه شاهزاده

تو، بچه‌ها تو بپا!

دو خواهر دوقلو

دوقلوهای ناباب

بچه‌ها تو قاپیدن

توی رودخونه ریختن

تا که ماهی‌ها سیرشن.

۷. نتیجه‌گیری

براساس آنچه در نمونه‌های موردبحث در بخش روش تحقیق مشاهده شد، نکته‌ای که از توصیف آن مثال‌ها به‌دست می‌آید، این است که در ترجمه نشر و نظم کودکانه به فارسی، گرایش عمده برخی از مترجمان به‌سمت به‌کارگیری لحنی است که چندان مناسبی با کودکان ندارد. همچنین، دیدیم در این مورد تفاوتی بین عملکرد و رویکرد مترجمان ناکارآزموده و مترجمان باتجربه وجود ندارد. دیده شد که در برخی از ترجمه‌های نامناسب، مترجم دچار «ترجمه‌زدگی» شده است؛ در برخی از موارد لحن ادیبانه را به‌کار گرفته است؛ در دیگر موارد، معنای منظورشناختی یک گفته را درک نکرده است؛ در موردی دیگر، لحن بزرگسالانه به‌کار برده است؛ در دیگر موارد، از به‌کارگیری لحن گفتارگونه خودداری کرده است؛ سادگی واژه‌ها

وترکیبات دستوری را نادیده گرفته است و مواردی از این دست. در هر حال، نتیجه این رویکردهای نادرست این شده است که به نظر نگارنده، چالش لحن در زبان مبدأ و به-کارنگرفتن لحن متناسب با آن در زبان مقصد، باعث ایجاد گسستگی در ایجاد ارتباط بین مخاطبان کودک در این نوع مطالب و ترجمه‌ها شده است؛ اما چه گمانه‌هایی برای به‌کارگیری این روش‌ها و رویکردهای نامناسب می‌توان مطرح کرد؟ در پاسخ می‌توان گفت شاید این‌گونه مترجمان، بهره‌گیری از کودکانه‌نویسی، گفتارگونگی نگارشی، شکسته‌نویسی، سادگی زبان و واژه‌ها و ترکیبات دستوری را مغایر با سنت‌های دیرینه سبک نگارشی موردپسند و احترام بزرگسالان، مغایر با اهداف تربیتی نظام آموزشی و نشانگر نوعی بی‌توجهی به مواردی زبانی-فرهنگی جامعه خود تلقی می‌کنند. این در حالی است که باید یادآور شد که از نظر علم زبان-شناسی، این نوع دغدغه‌ها با وجود محترم و قابل‌درک‌بودن، دارای مبنای علمی نیستند؛ به-عنوان مثال، در بیشتر موارد دیده می‌شود که مربیان تربیتی و کتابداران کتابخانه‌های کودک، دست‌کم بخش‌های گفتاری رسمی آثار داستانی را به تشخیص خود به صورت گفتاری و ساده-سازی شده برای کودکان بازگویی می‌کنند؛ زیرا، به تجربه دریافته‌اند که کودکان از شنیدن لحن طبیعی کودکان لذت بیشتری می‌برند.

۸. ارائه پیشنهادها

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان با انجام تحقیقات میدانی بیشتر و گسترده‌تری به این موضوع پی برد که آیا به‌راستی مخاطبان کودک از لحن کودکانه ادبیات کودک و نونهال بیشتر لذت می‌برند یا خیر؟ به‌عنوان مثال، می‌توان در چارچوب نظریه «واکنش خواننده/مخاطب»^۱، اقدام به انجام این کار کرد. همچنین، کندوکاو گسترده رایانه‌ای این‌گونه پیکره‌های^۲ زبانی-ترجمه‌ای آثار کودکانه می‌تواند اطلاعات مفیدی در زمینه «الگوهای رایج زبانی-فرهنگی پرکاربرد از یک-سو و «الگوهای موردنیاز» این زمینه از سوی دیگر، در اختیار پژوهشگران قرار دهد (لذی، ۲۰۱۱).

1. Reader _response theory
2. Corpora

یکی دیگر از زمینه‌های پژوهش در این باب می‌تواند استفاده از مدل پیشنهادی جولیان هاوس^۱ (۲۰۱۱) در زمینه «ارزیابی کیفیت ترجمه»^۲ در پرتو یافته‌های دو مبحث «تحلیل ژانر»^۳ و «تحلیل سبک‌واره»^۴ باشد. به علاوه، بر اساس همین نوع پژوهش‌ها می‌توان دریافت که آیا به کارگیری این نوع لحن ممکن است در پیشرفت تحصیلی، یادگیری قواعد زبان مادری فارسی یا رشد تعاملات اجتماعی در کودکان مانع ایجاد کند یا خیر؟ همچنین، می‌توان با تهیه پرسشنامه‌هایی، از مخالفان رویکرد توصیه شده در این مقاله درخواست کرد تا دلایل مخالفت خود را بیان کنند تا مشخص شود آیا این دغدغه‌ها منطقی است یا خیر. نکته پایانی اینکه، بر مترجمان لازم است تا علاوه بر آشنایی با ویژگی‌های زبان مبدأ، زبان مقصد و موضوع مورد ترجمه، با در نظر داشتن تفاوت نوشتار و گفتار بزرگسالان و خردسالان، به نقش چالش برانگیز لحن و اثر ماندگار آن توجه جدی کنند.

کتابنامه

- خطر ترجمه در کمین ادبیات کودک و نوجوان. (بی تا). بازیابی در ۱۰ تیر ۱۳۹۲ از <http://www.tebyan.net/newmobile.aspx/index.aspx?pid=222310>
- دی پائولا، ت. (۱۳۷۴). *افسانه گل‌های آبی* (ف. گل محمدی، مترجم). تهران: کانون چاپ.
- راس، ک. (۱۳۷۳). *جوجه اردک زشت* (ک. فرهادی، مترجم). تهران: نشر چشمه.
- زمانی، ف. (۱۳۸۱). *بررسی روند ترجمه در نشریات کودکان و نوجوانان ایران در طول برنامه پنج‌ساله دوم توسعه (۷۷-۱۳۷۳)*. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، (۴)، ۶۱-۵۲.
- قاسم‌نیا، ش. (۱۳۷۴). *ویروس بزرگسالی در شعر کودک*. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، (۲)، ۳۰-۳۶.
- کوثری، ع. (۱۳۷۹). *تجربه‌ای در داستان‌های کودکان*. فصلنامه مترجم، (۳۳)، ۵۲-۴۹.
- محمدی، م. ه. و قائینی، ز. (۱۳۸۱). *تاریخ ادبیات کودکان ایران* (جلد اول). تهران: نشر چیستا.

1. Julian House
2. Translation quality assessment
3. Genre analysis
4. Register analysis

- معیارهای یک ترجمه خوب برای کودکان. (بی تا). بازیابی در ۱۴ مرداد ۱۳۹۲ از <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=195652>
- موسوی، ف.، هادی پور، ا.، و سمندری، ج. (۱۳۸۷). سیر ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران. فصلنامه ادبیات فارسی، ۴(۱۱)، ۱۴۳-۱۲۴.
- ویورست، ج. (۱۳۸۸). از جایم تکان نمی خورم (ز. رضایی، مترجم). تهران: نشر پیدایش.
- Abrams, M. H. (1970). *A glossary of literary terms* (3rd ed). New York: Regents.
- Bell, A. (1985). Translator's notebook: The naming of names. *Signal*, 46, 3-11.
- Bell, A. (1986). Translator's notebook: Delicate matters. *Signal*, 49, 17-26.
- Cuddon, J. A. (1976). *A dictionary of literary terms*. New York: Penguin Books.
- Frank, H. T. (2007). *Cultural encounters in translated children's literature: Images of Australia in French translation*. Manchester: St Jerome.
- Hirano, C. (1999). Eight ways to say you: The challenges of translation. *The Horn Book Magazine*, 75(1), 34-41.
- House, J. (2011). *Translation quality assessment: A model revisited*. Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- Lathey, G. (2011). Children's literature. In M. Baker, & G. Saldanha (Eds.), *Routledge encyclopedia of translation studies* (2nd ed.) (pp. 31- 34). London & New York: Routledge.
- Oittinen, R. (2000). *Translating for children*. New York & London: Garland.
- O'Sullivan, E. (2005). *Comparative children's literature*. London: Routledge.
- Van Coillie, J., & Walter, P. V. (eds.). *Children's literature in translation: Challenges and strategies*. Manchester: St Jerome.